

جوامع روایی فریقین و گزاره نقصان عقل زن

(گونه‌ها، اسناد و مصادر)

دکتر علی راد*

زینب مجلسی راد**

چکیده

کاستیِ خرد زنان، گمانه‌ای است که از دیرباز در متون اسلامی و دیدگاه‌های عالمان اسلامی رایج بوده و تأثیرات فرهنگی و اجتماعی خاصی را در ارزش‌گذاری شخصیت زن در جهان اسلام به دنبال داشته است. ریشه این نگره، تنها در روایات فریقین قابل ردیابی است، زیرا قرآن در این مسئله ساکت است. بدیهی است، گزاره‌های روایی «کاستیِ خرد زنان»، زمانی اعتبار لازم را برای استناد در استنباط آموزه‌ای دینی را پیدا می‌کنند که از حیث اسناد و مصدر شرایط علمی و شرعی اعتبار را برخوردار باشند. این پژوهش به بررسی گونه‌های این احادیث و شناخت آسیب‌های وارده بر آنها در ناحیه مصادر و اسناد پرداخته است.

کلیدواژه‌ها: احادیث عقل زنان، گونه‌شناسی، آسیب‌شناسی، مصادر، اسناد.

* استادیار دانشگاه تهران (پردیس فارابی) و مدرس مرکز تخصصی علوم حدیث.

** دانشجوی دکتری دانشگاه تهران (پردیس فارابی).

یکی از علل روانی و فرهنگی عقب‌ماندگی و عدم مشارکت زنان در امور اجتماعی، احساس ضعف شخصیتی است که از ترویج ناصحیح برخی متون دینی در جوامع اسلامی پدید آمده است. با توجه به محوریت قرآن و حدیث در جوامع اسلامی، به دست آوردن موضع دین درباره این مسئله می‌تواند راه‌گشا باشد. نکته‌ای که در این میان باید به آن توجه کرد این است که منقولات فراوانی در متون روایی وجود دارد که نگاهی ابتدایی می‌تواند گمانه تحقیر زن را به ذهن متبادر کند. متأسفانه بسیاری افراد، بر ظاهر این روایات اکتفا کرده و زنان را فاقد صلاحیت حضور در عرصه‌های سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی دانسته‌اند. تفحص در متون روایی حجم بالایی از این روایات را آشکار می‌سازد. ظاهر برخی از این احادیث، کم‌بهره بودن زنان از نیروی عقل را به ذهن متبادر می‌کند. می‌توان این روایات را در سه حوزه: «کاستی خرد زنان»، «نهی مشورت با زنان» و «سفاهت زنان» دسته‌بندی کرد که در این مجال تنها قسم نخست مدنظر قرار گرفته است.

از دیرباز تاکنون، عالمان اسلامی و حتی غیراسلامی به مسئله «کاستی خرد در زنان» توجه کرده‌اند. از بررسی منقولات عالمان مسلمان شاید بتوان رویکرد سه‌گانه‌ای را در میان آنان درباره این روایات به دست آورد:

- ۱- مشهور دانشمندان علوم اسلامی ظاهر این روایات را پذیرفته و به دفاع از آن می‌پردازند.^۱
- ۲- برخی دیگر از بزرگان، صدور این سخنان از سوی معصومان را می‌پذیرند، اما تلاش می‌کنند تا آن‌ها را به گونه‌ای معنا کنند که مرادشان تحقیر و محدود کردن زنان نباشد.^۱

۱. ر.ک: شرح نهج البلاغه (ابن میثم)، ج ۴، ص ۱۱۸؛ توضیح نهج البلاغه، ج ۱، ص ۳۰۳؛ شرح نهج البلاغه (موسوی)، ج ۱، ص ۴۵۱؛ مفردات نهج البلاغه، ج ۲، ص ۱۰۳۵ و ۱۰۳۶؛ نهج البلاغه (عبد)، ص ۱۲۹.

۳- در دوران معاصر نظریهٔ سومی نیز دربارهٔ این احادیث مطرح شده که هدف آن، بیان نادرستی این گونه از سخنان و مجعول دانستن بسیاری از آنهاست.^۲

آنچه مسلم است، عدم توجه به کنه معنای روایات و اکتفا به ظاهر کلام می‌تواند آدمی را از نیل به معنای اصلی بازدارد. این امر در زمینهٔ تمامی متون مطرح بوده و در متون دینی حساس‌تر است. در برخورد با متون روایی پس از احراز صحت صدور روایت، مراحل متعددی باید طی شود تا معنای اصلی کلام به دست آید. مهم‌ترین این مراحل عبارت از: عرضه بر آیات قرآن، به دست آوردن سایر متون روایی هم‌موضوع و بررسی تاریخی مسئله است. روایاتی که کم‌بهره بودن زنان از خرد را بیان می‌دارند نیز از این اصل کلی مستثنا نیستند. با توجه به آن‌که در زمینهٔ مباحث فقه‌الحدیثی این دسته از روایات کارهای فراوانی صورت گرفته است، در این مجال تنها به گونه‌شناسی این احادیث و سپس آسیب‌شناسی مصادر و اسناد آن‌ها پرداخته و نکات مهم پیرامون آن بیان می‌شود.

گونه‌شناسی و آسیب‌شناسی متون روایی

جست‌وجو در منابع روایی فریقین، چهار دسته از روایات را که بر کاستی خرد زنان دلالت صریحی دارند، آشکار می‌کند:

دستهٔ اول

این دسته از روایات که میان متون روایی شیعه و اهل سنت مشترکند، به صورت آشکار بر نقصان عقل زنان اشاره می‌کند. هستهٔ اصلی آن‌ها به پیامبر عظیم‌الشان اسلام ۹ باز می‌گردد: «إِنَّ النِّسَاءَ نَوَاقِصُ الْعُقُولِ فَأَمَّا

۱. ر.ک: شرح نهج البلاغه (ابن ابی‌الحدید)، ج ۶، ص ۲۱۴؛ زن از دیدگاه نهج البلاغه، ص ۱۱۵؛ زن در آئینهٔ جلال و جمال الهی، ص ۲۲۹ و ۲۳۰؛ شخصیت و حقوق زن در اسلام، ص ۱۰۵؛ ترجمه و تفسیر نهج البلاغه، ج ۱۱، ص ۲۹۲-۲۹۴؛ پیام امام؛ شرح تازه و جامعی بر نهج البلاغه، ج ۳، ص ۲۸۹ و ۲۹۰.

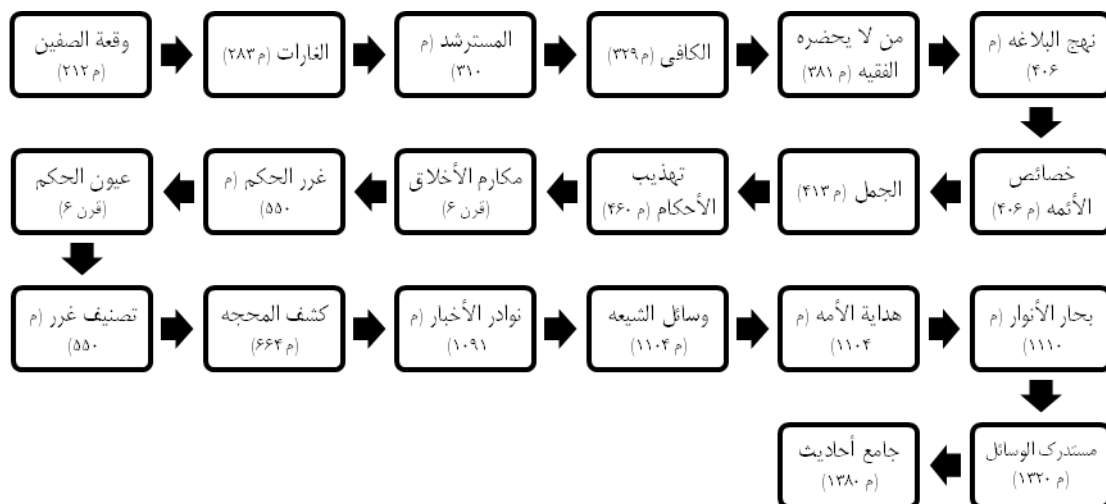
۲. ر.ک: زن از نگاهی دیگر، ص ۲۰-۲۲؛ حدیث پژوهی، ج ۱، ص ۳۱۱.

نُقْصَانُ عُقُولِهِنَّ فَشَهَادَةُ امْرَأَتَيْنِ مِنْهُنَّ كَشَهَادَةِ الرَّجُلِ الْوَاحِدِ»، که به صورت‌های گوناگون در متون روایی فریقین قابل دست‌یابی است.^۱

از بررسی مصادر این دسته از روایات نتایج زیر به دست آمد. شکل «۱» مصادر شیعه و شکل «۲» مصادر اهل سنت را نشان می‌دهد:

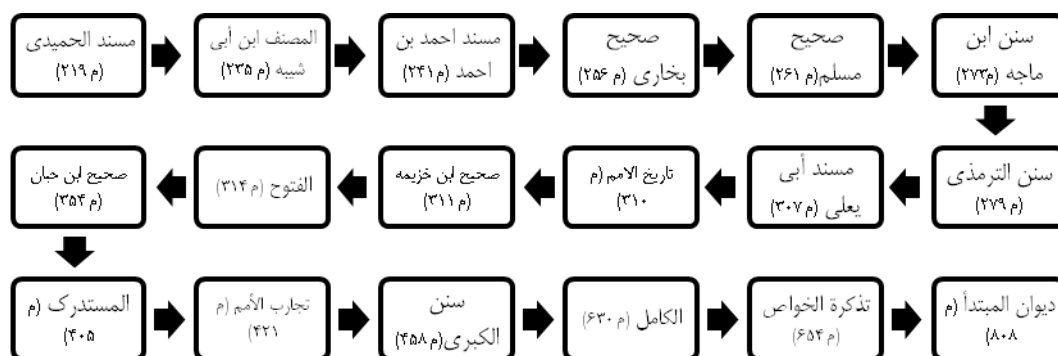
۱. «وَمَرَّ رَسُولُ اللَّهِ ۹ عَلَى نِسْوَةٍ فَوَقَفَ عَلَيْهِنَّ ثُمَّ قَالَ يَا مَعْشَرَ النِّسَاءِ مَا رَأَيْتُ نَوَاقِصَ عُقُولٍ وَ دِينَ أُذْهَبَ بِعُقُولِ ذَوِي الْأَلْبَابِ مِنْكُمْ إِنِّي قَدْ رَأَيْتُ أَنْتُمْ أَكْثَرُ أَهْلِ النَّارِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ فَتَقَرَّبِينَ إِلَى اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ مَا اسْتَطَعْتُنَّ فَقَالَتْ امْرَأَةٌ مِنْهُنَّ يَا رَسُولَ اللَّهِ ۹ مَا نُقْصَانُ دِينِنَا وَ عُقُولِنَا فَقَالَ أَمَا نُقْصَانُ دِينِكُنَّ فَالْحَيْضُ الَّذِي يُصِيبُكُنَّ فَتَمَكُّتُنَّ إِحْدَاكُنَّ مَا شَاءَ اللَّهُ لَا تُصَلِّي وَ لَا تَصُومُ وَ أَمَا نُقْصَانُ عُقُولِكُنَّ فَشَهَادَتُكُنَّ إِنَّمَا شَهَادَةُ الْمَرْأَةِ نِصْفُ شَهَادَةِ الرَّجُلِ»؛ من لا يحضره الفقيه، ج ۳، ص ۳۹۰، ح ۴۳۷۱ و ص ۳۹۱، ح ۴۳۷۵؛ مكارم الأخلاق، ص ۲۰۱ و ۲۰۲؛ نهج-البلاغه (صبحی صالح)، ص ۱۰۵ و ۳۷۳؛ خصائص الأئمة (خصائص أمير المؤمنين ۷)، ص ۱۰۰؛ غرر الحکم و درر الکلم، ص ۷۱۲، ح ۱۶۲؛ عيون الحکم و المواعظ، ص ۴۹۰، ح ۹۰۸۵؛ تصنیف غرر الحکم و درر الکلم، ص ۴۰۸، ح ۹۳۷۹؛ تفصیل وسائل الشیعة إلى تحصیل مسائل الشریعة، ج ۲، ص ۳۴۴، ح ۳۳۲۱؛ ج ۲۰، ص ۲۴، ح ۲۴۹۳۴ و ص ۲۵، ح ۲۴۹۳۶؛ بحار الأنوار الجامعة لدرر أخبار الأئمة الأطهار، ج ۳۰، ص ۱۷، ح ۱؛ ج ۳۲، ص ۲۴۷، ح ۱۹۵ و ص ۵۶۲، ح ۴۶۸ (به نقل از: کافی)؛ ج ۳۳، ص ۴۵۸، ح ۴۷۴ (به نقل از: نهج البلاغه) و ص ۶۶۷، ح ۶۱ (به نقل از: ابن ابی الحدید)؛ ج ۷۸، ص ۱۰۷، ح ۲۵؛ ج ۱۰۰، ص ۲۲۸، ح ۳۱؛ جامع أحادیث الشیعة، ج ۲۵، ص ۱۱۶، ح ۳۶۴۹۵ و ص ۵۵۰، ح ۳۷۲۲۶؛ ج ۳۰، ص ۱۰۲، ح ۴۵۲۸۲؛ المستدرک فی إمامة علی بن أبی طالب، ص ۴۱۸؛ كشف المحجة لثمره المهجة، ص ۲۵۳؛ نوادر الأخبار فیما يتعلق بأصول الدین، ص ۱۹۳، ح ۱؛ الکافی، ج ۵، ص ۳۹، ح ۴ و ص ۳۲۲، ح ۱؛ تهذیب الأحکام، ج ۷، ص ۴۰۴، ح ۲۱؛ هداية الأمة إلى أحكام الأئمة، ج ۷، ص ۶۸؛ وقعة صفین، ص ۲۰۴؛ الغارات أو الإستنفار و الغارات، ج ۲، ص ۷۵۳؛ مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، ج ۱۱، ص ۸۶، ح ۱۲۴۸۱.

«يَا مَعْشَرَ النِّسَاءِ تَصَدَّقْنَ وَ أَكْثِرْنَ الْإِسْتِغْفَارَ فَإِنِّي رَأَيْتُكُنَّ أَكْثَرَ أَهْلِ النَّارِ. قَالَتْ امْرَأَةٌ مِنْهُنَّ جَزَلُهُ وَ مَا لَنَا يَا رَسُولَ اللَّهِ أَكْثَرَ أَهْلِ النَّارِ؟ قَالَ: تَكْثُرْنَ اللَّعْنَ وَ تَكْفُرْنَ الْعَشِيرَ وَ مَا رَأَيْتُ مِنْ نَاقِصَاتِ عَقْلِ وَ دِينٍ أَغْلَبَ لَدَى اللَّبِّ مِنْكُمْ. قَالَتْ: يَا رَسُولَ اللَّهِ ۹ وَ مَا نُقْصَانُ الْعَقْلِ وَ الدِّينِ؟ قَالَ: أَمَا نُقْصَانُ الْعَقْلِ فَشَهَادَةُ امْرَأَتَيْنِ تُعَدُّ شَهَادَةَ رَجُلٍ وَاحِدٍ فَهَذَا نُقْصَانُ الْعَقْلِ وَ تَمَكُّتُ اللَّيَالِي لَا تُصَلِّي وَ تُفْطِرُ فِي رَمَضَانَ فَهَذَا نُقْصَانُ الدِّينِ»؛ تذكرة الخواص من الأمة في ذكر خصائص الأمة، ص ۷۹ و ۸۹؛ تاريخ الأمم والملوك، ج ۵، ص ۱۱؛ كتاب الفتوح، ج ۳، ص ۳۲؛ تجارب الأمم، ج ۱، ص ۵۱۸؛ الكامل في التاريخ، ج ۳، ص ۲۹۳؛ ديوان المبتدأ و الخبر في تاريخ العرب و البربر و من عاصروهم من ذوى الشأن الأكبر، ج ۲، ص ۶۲۲؛ صحيح مسلم، ص ۶۰، ح ۷۹؛ سنن ابن ماجه، ج ۲، ص ۱۳۲۶، ح ۴۰۰۳؛ السنن الكبرى، ج ۲، ص ۳، ح ۱۵۱۷؛ ج ۶، ص ۲۶۳، ح ۸۲۰۳؛ المستدرک علی الصحیحین، ج ۲، ص ۵۴۹، ح ۲۸۲۶؛ مسند ابی-یعلی، ج ۴، ص ۱۸۸، ح ۵۱۰۹؛ جامع الترمذی، ص ۴۲۴، ح ۲۶۱۳؛ مسند الإمام أحمد بن حنبل، ج ۲، ص ۹۱ و ۹۲، ح ۵۳۴۲؛ سنن ابی داود، ج ۴، ص ۲۱۹ و ۲۲۰، ح ۴۶۷۹؛ الأحسان فی تقریب صحیح ابن حبان، ص ۱۱۵ و ۱۱۶، ح ۳۳۲۳؛ المصنف، ج ۷، ص ۲۲۴، ح ۵۸؛ مسند الحمیدی، ج ۱، ص ۵۱ و ۵۲، ح ۹۲؛ صحيح البخاری، ج ۱، ص ۱۱۳، ح ۲۹۸ و ص ۴۸۴، ح ۱۳۹۳.



شکل ۱

همان‌گونه که مشاهده می‌شود، نقل این دسته روایات از قرن سوم آغاز شده و مورد تأیید صاحبان کتب اربعه، که معتبرترین کتاب‌های شیعه هستند، بوده است و همین امر، بالا رفتن اعتبار آن‌ها از حیث مصدرشناسی را موجب می‌شود. نکته‌ای که در این میان باید بدان توجه کرد آن است که شکل‌های ترسیم‌شده در این پژوهش، تنها سیر تاریخی گزارش روایت را نشان می‌دهند و به معنای نقل منابع از یکدیگر نیستند.



شکل ۲

با توجه به شکل (۲) به دست خواهد آمد که این دسته از روایات به دلیل ذکر در کتاب‌های مورد اعتماد

اهل سنت، به ویژه صحیح بخاری و صحیح مسلم، به لحاظ مصدرشناسی معتبرند.^۱

در زمینه اسناد آن‌ها نیز باید به این نکته اشاره کرد که طبق ملاک‌های اهل سنت این روایت به دلیل ذکر در صحیحین از صحت سندی برخوردار است. در شیعه، به دلیل آن‌که نظیر چنین ملاکی مورد قبول بیشتر عالمان نیست، وضعیت متفاوت خواهد شد، زیرا تمامی روایات این دسته، جز یک مورد که در الکافی گزارش شده، فاقد سندند. روایت گزارش‌شده کلینی (ره) نیز به دلیل وجود عبارت «عمن ذکره»، مرسل است. نهایت آن‌که، دسته مذکور به لحاظ سندی در میان شیعیان، از ارزش چندانی برخوردار نیست.

دسته دوم

دسته دوم روایات این موضوع، شامل آن دسته از احادیثی می‌گردد که بر خلق زنان به صورت ناقص العقل

دلالت دارد. در اهل سنت یک روایت^۲ و در شیعه چهار روایت در این زمینه به دست آمد.^۳

۱. در اینجا لازم است به نکته‌ای اشاره گردد و آن این‌که در مصدرشناسی روایات شیعه، تلاش بر آن است تا سیر تاریخی مصادر به دوران معاصر رسانده شود، اما در مصادر روایی اهل سنت نهایتاً تا قرن هشتم و نهم اشاره می‌گردد، زیرا سایر منابع، تکرار آن چیزی است که در کتاب‌های قرون پیشین وجود دارد.

۲. «عن وهب بن منبه قال: عاقب الله المرأة بعشر خصال، شدة النفاس و بالحیض و بالنجاسة فی بطنها و فرجها و جعل میراث امرأتین میراث رجل واحد و شهادة امرأتین كشهادة رجل و جعلها ناقصة العقل و الدین لا تصلی ایام حیضها و لا یسلم علی النساء و لیس علیهن جمعة و لا جماعة و لا یكون منهن نبي و لا تسافر إلا بولی»؛ *عیون الأخبار*، ص ۱۱۰.

۳. «المولی سَعِيدُ الْمَزِيدِيُّ فِي تَحْفَةِ الْإِخْوَانِ، عَنْ أَبِي بَصِيرٍ عَنِ الصَّادِقِ ۷ فِي خَبَرٍ طَوِيلٍ فِي خَلْقِهِ آدَمَ وَ حَوَاءَ وَ دُخُولِهِمَا الْجَنَّةَ وَ خُرُوجِهِمَا مِنْهَا - إِلَى أَنْ قَالَ قَالَ أَبُو عَبَّاسٍ «فَنُودِيَتْ يَا حَوَاءُ وَ مِنْ أَلَدِي صَرَفَ عَنْكَ الْخَيْرَاتِ الَّتِي كُنْتِ فِيهَا وَ الزَّيْنَةَ الَّتِي كُنْتِ عَلَيْهَا قَالَتْ حَوَاءُ إِلَهِي وَ سَيِّدِي ذَلِكَ خَطِيئَتِي وَ قَدْ خَدَعَنِي إِبْلِيسُ بِغُرُورِهِ وَ أَعْوَانِي وَ أَقْسَمَ لِي بِحَقِّكَ وَ عَزَّتْكَ إِنَّهُ لَمِنَ النَّاصِحِينَ لِي وَ مَا ظَنَنْتُ أَنْ عَبْدًا يَحْلِفُ بِكَ كَاذِبًا قَالَ الْآنَ أَخْرَجِي أَبَدًا فَقَدْ جَعَلْتِكِ نَاقِصَةَ الْعَقْلِ وَ الدِّينِ وَ الْمِيرَاثِ وَ الشَّهَادَةِ وَ الذُّكْرِ وَ مُعْجِزَةَ الْخَلْقِ شَاخِصَةَ الْبَصْرِ وَ جَعَلْتِكِ أَسِيرَةَ أَيَّامِ حَيَاتِكَ وَ أَحْرَمْتِكِ أَفْضَلَ الْأَشْيَاءِ الْجَمْعَةَ وَ الْجَمَاعَةَ وَ السَّلَامَ وَ التَّجِيَّةَ وَ قَضَيْتُ عَلَيْكَ بِالطَّمْثِ وَ هُوَ الدَّمُ وَ جِهَةُ الْحَبْلِ وَ الطَّلْقِ وَ الْوَلَادَةِ فَلَا تَلِدِينَ حَتَّى تَذُوقِينَ طَعْمَ الْمَوْتِ فَأَنْتِ أَكْثَرُ حُزْنًا وَ أَكْثَرُ قَلْبًا وَ أَكْثَرُ دَمْعَةً وَ جَعَلْتِكِ دَائِمَةَ الْأَحْزَانِ وَ لَمْ أَجْعَلْ مِنْكَ حَاكِمًا وَ لَا أَعَثُّ مِنْكَ نَبِيًّا الْخَبَرَ»؛ *تفسير المنسوب إلى الإمام الحسن العسكري* ۷، ص ۶۶، ح ۳۷۴ و ص ۶۵۷، ح ۳۷۴ و ح ۳۷۷؛ *البرهان في تفسير القرآن*، ج ۱، ص ۵۶۴، ح ۱۵۵۶؛ ج ۳، ص ۳۵۵ (ذیل روایت مرسلی از پیامبر ۹)؛ ج ۱۴، ص ۲۸۵، ح ۱۶۷۳۲؛ *بحار الأنوار الجامعة لدرر أخبار الأئمة الأطهار*، ج ۱۰۰، ص ۲۵۹، ح ۱۱؛ ج ۱۰۱، ص ۳۰۶، ح ۱۰؛ *مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل*،

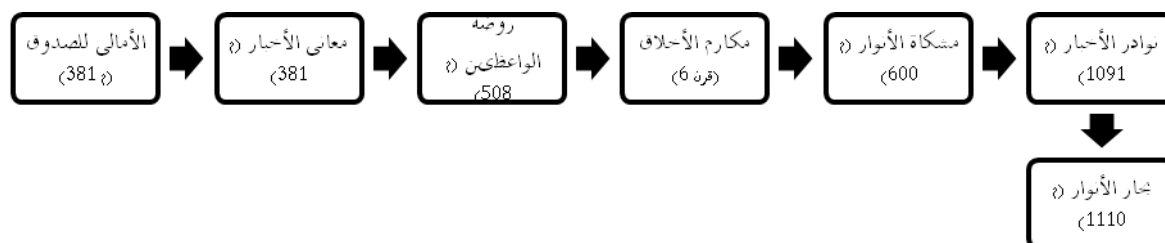
این دسته از روایات به لحاظ مصدرشناسی و سندشناسی در مرتبه بسیار پایینی قرار دارند، زیرا در کتب روایی اهل سنت، جز در یک کتاب (عیون الأخبار ابن قتیبه) آن هم به صورت مرسل و از قول «وهب بن منبه» مصدر دیگری برای آن به دست نیامد. این راوی نیز سرمنشأ ورود بسیاری از اسرائیلیات در میان مسلمانان بوده و قابل اعتنا نیست.

در شیعه نیز مصدر این روایات به تفسیر منسوب به امام حسن عسکری^۷ می‌رسد و سایر منابع، متأخر بوده و از آن نقل کرده‌اند. این تفسیر نیز از اعتبار چندانی میان علما برخوردار نیست. ارسال موجود در اسناد آن-ها نیز موجب ایجاد تردید بیشتر در صحت صدور خواهد شد.

دسته سوم

در دسته سوم، روایت امام علی^۷: «عُقُولُ النِّسَاءِ فِي جَمَالِهِنَّ وَ جَمَالُ الرِّجَالِ فِي عُقُولِهِمْ»؛ خرد زنان در زیبایی آنان، و زیبایی مردان در خرد آنهاست، قرار می‌گیرد.^۱

این روایت به لحاظ مصدری وضعیت خوبی دارد که در شکل «۳» می‌توان آن را مشاهده کرد:



شکل ۳

ج ۱، ص ۲۵۶ و ۲۵۷؛ ج ۱۶۶۳۹؛ ج ۲۷، ص ۲۷۲؛ ج ۳۳۷۵۶؛ جامع‌أحدیث‌الشیعه، ج ۲۵، ص ۴۸۰؛ ج ۴۵۸۹۳ و ص ۴۸۱؛ ج ۳۷۱۲۸؛ ج ۳۰، ص ۳۵۰؛ ج ۴۵۶۲۱؛ تفصیل وسائل‌الشیعه‌إلی‌تحصیل مسائل‌الشریعه، ج ۲۷، ص ۳۳۵؛ ج ۳۳۸۷۱.

۱. الأمالی، ص ۲۲۸؛ ج ۹؛ معانی الأخبار، ص ۲۳۴؛ ج ۱؛ روضة‌الواعظین و بصیرة‌المتعظین، ج ۱، ص ۴ (مرسل است)؛ مکارم‌الأخلاق،

ص ۱۰۰؛ مشكاة‌الأنوار فی غرر‌الأخبار، ص ۲۵۱ (مرسل است)؛ نوادر‌الأخبار فیما‌یتعلق‌بأصول‌الدین، ص ۸، ج ۸ (مرسل است)؛

بحار‌الأنوار‌الجامعة‌لدرر‌أخبار‌الأئمة‌الأطهار، ج ۱، ص ۸۲؛ ج ۱، ص ۱۰۰؛ ج ۲۲۴، ص ۳.

از حیث سندی نیز در بیشتر مصادر، مرسل گزارش شده، به جز سندی که شیخ صدوق برای آن آورده است:

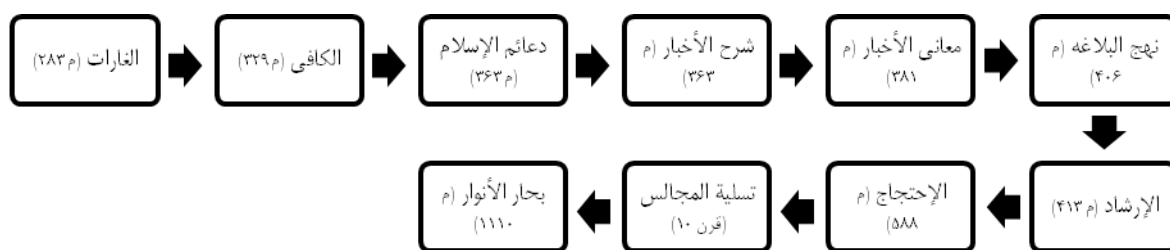
حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ عُمَرَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ سَالِمٍ الْبَرَاءِ الْحَافِظُ الْبَغْدَادِيُّ قَالَ حَدَّثَنَا أَحْمَدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ التَّقْفِيُّ أَبُو الْعَبَّاسِ قَالَ حَدَّثَنَا عَيْسَى بْنُ مُحَمَّدٍ الْكَاتِبُ قَالَ حَدَّثَنِي الْمَدَائِنِيُّ عَنْ غِيَاثِ بْنِ إِبْرَاهِيمَ عَنِ الصَّادِقِ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ أَبِيهِ عَنْ جَدِّهِ قَالَ قَالَ عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ ۷.

در این سند نیز وثاقت هیچ یک از راویان جز «محمد بن عمر بن محمد بن سالم» و «غیاث بن ابراهیم» قابل اثبات نیست؛ در نتیجه، نمی توان برای آن اعتباری قائل شد.

دسته چهارم

گونه چهارم نیز روایتی از حضرت امیر ۷ را در خود جای می دهد. این روایت که در حقیقت، خطبه ای از ایشان در فضیلت جهاد است، به لحاظ مصدرشناسی وضعیت خوبی دارد و متن آن را می توان در کتاب های تاریخ نخستین به دست آورد.^۲

شکل «۴» به خوبی نشان دهنده این وضعیت است:



شکل ۴

۱. در الأمالی (شیخ صدوق) به صورت «سکمه» آورده شده که اشتباه است. ضبط صحیح آن «محمد بن سالم» است.
۲. کتاب جمل من أنساب الأشراف، ج ۲، ص ۴۴۳؛ الأخبار الطوال، ص ۲۱۲؛ الغارات أو الإستنفار و الغارات، ص ۴۷۷؛ الکافی، ص ۴، ج ۶؛ دعائم الإسلام و ذکر الحلال و الحرام و التضایا و الأحکام، ج ۱، ص ۳۹۰؛ شرح الأخبار فی فضائل الأئمة الأطهار، ج ۲، ص ۷۵، ج ۴؛ معانی الأخبار، ص ۳۰۹، ج ۱؛ نهج البلاغه (صبحی صالح)، ص ۷۰؛ الإرشاد فی معرفة حجج الله: علی العباد، ج ۱، ص ۲۷۹؛ الإحتجاج علی أهل اللجاج، ج ۱، ص ۱۷۶؛ تسلیة المجالس و زینة المجالس، ج ۱، ص ۳۵۳؛ بحار الأنوار الجامعة لدرر أخبار الأئمة الأطهار، ج ۳۴، ص ۶۴، ج ۹۳۱ و ص ۱۳۵، ج ۹۵۶ و ص ۱۴۳، ج ۹۵۷.

این روایت با وجود شیعی بودن، در دو منبع *انساب الاشراف* (۲۷۹ق) و *أخبار الطوال* (۲۸۲ق) - که در شمار مصادر تاریخی اهل سنت قرار دارند - نیز به دست آمد.

قسمت مورد نظر ما از این خطبه، عبارت: «يَا أَشْبَاهَ الرَّجَالِ وَلَا رَجَالَ وَ عُقُولُ رَبَّاتِ الْحِجَالِ»؛ ای نامردان به صورت مرد که فکرتان مانند خوابِ کودکان و عقلتان همچون نوعروسان پرده‌نشین است، می‌باشد که در *الکافی* و *معانی الأخبار* اسناد زیر به ترتیب برای آن آورده شده است:

- أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدٍ بْنِ سَعِيدٍ عَنْ جَعْفَرِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ الْعَلَوِيِّ وَ أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدٍ الْكُوفِيُّ عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْعَبَّاسِ عَنْ إِسْمَاعِيلَ بْنِ إِسْحَاقَ جَمِيعًا عَنْ أَبِي رَوْحٍ فَرَجِ بْنِ قُرَّةَ عَنْ مَسْعَدَةَ بْنِ صَدَقَةَ قَالَ حَدَّثَنِي ابْنُ أَبِي لَيْلَى عَنْ أَبِي عَبْدِ الرَّحْمَنِ السُّلَمِيِّ قَالَ قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ.

این سند به دلیل مجهول بودن «ابی روح فرج بن قره» و «ابی عبدالرحمن سلمی» اعتبار ندارد.

- حدثنا أبو العباس محمد بن إبراهيم بن إسحاق الطالقاني قال حدثنا عبدالعزيز بن يحيى الجلودى قال حدثنا هشام بن علي و محمد بن زكريا الجوهري قالا حدثنا ابن عائشة بإسناد ذكره أن عليا ۷

در سند مذکور نیز عبارت «باِسنادِ ذكره» منجر به مرفوع شدن روایت می‌شود. وثاقت ابن عایشه (عبیدالله بن - محمد بن حفص عیشی) نیز ثابت شده نیست.

نتیجه‌گیری

بررسی متون روایی فریقین نشان می‌دهد، روایات موجود در موضوع کاستیِ خرد زنان را می‌توان در چهار دسته اصلی قرار داد:

۱- روایاتی که بر نقصان عقل زنان اشاره دارند.

۲- روایاتی که نقصان ذاتی عقل زنان را بیان داشته‌اند.

۳- روایتی که عقل زنان را منحصر در بُعد زیبایی دانسته است.

۴- روایتی که عقل مردان نابخرد را به نوعروسان تشبیه کرده است.

بررسی مصادر این چهار دسته از روایات نشان داد که دسته اول، سوم و چهارم به دلیل تقدم نقل و ذکر آن در منابع معتبر روایی فریقین، جایگاه خوبی دارد، اما دسته دوم که بر نقصان ذاتی عقل زنان دلالت دارد، در منابع معتبر شیعه و اهل سنت ذکر نشده و از این حیث آسیبی جدی بر آنها وارد است.

روایات این موضوع، در شیعه، اکثراً به صورت مرسل بیان گردیده‌اند، جز چند مورد که آنها نیز پس از بررسی‌های صورت گرفته دارای اشکالاتی بوده و در زمره احادیث ضعیف قرار گرفتند.

با در نظر گرفتن مبنایی که جمهور اهل سنت در صحیح دانستن تمام روایات موجود در صحیحین دارند، روایات دسته اول از دیدگاه اهل سنت صحیح تلقی می‌گردند، اما روایت دسته سوم به دلیل وجود راوی متهم به جعل، به لحاظ سندی مخدوش است.

كتاب نامه

- الإحتجاج على أهل اللجاج، احمد بن على الطبرسى، تحقيق: محمد باقر خرسان، مشهد: مرتضى، اول، ١٤٠٣ق.

- الأحسان فى تقريب صحيح ابن حبان، محمد بن حبان الخُرسانى، ترتيب: الأمير علاء الدين على بن ببلان الفاصى، بيروت: دارالمعرفة، اول، ١٤٢٥ق.

- الأخبار الطوال، احمد بن داود الدينورى، تحقيق: عبد المنعم عامر، مراجعه: جمال الدين شيال، قم: منشورات الرضى، ١٣٦٨ش.

- الإرشاد فى معرفة حجج الله: على العباد، محمد بن محمد المفيد، تحقيق: مؤسسهُ آل البيت، قم: كنگره شيخ مفيد، اول، ١٤١٣ق.

- الأمالى، محمد بن على بن بابويه (شيخ صدوق)، ترجمه: محمد باقر كمره‌اى، تهران: كتابچى، ششم، ١٣٧١ش.

- البرهان فى تفسير القرآن، سيد هاشم بن سليمان البحرانى، تحقيق: قسم الدراسات الإسلاميه مؤسسهُ البعته، قم: مؤسسهُ بعته، اول، ١٣٧٤ش.

- الجمل، محمد بن محمد المفيد، قم: المؤتمر العالمى للشيخ المفيد، اول، ١٤١٣ق.

- السنن الكبرى، أبى بكر أحمد بن الحسين بن على البيهقى، بيروت: دارالفكر، ١٤١٩ق.

- الغارات أو الإستنفار و الغارات، ابراهيم بن محمد بن سعيد بن هلال الثقفى، تحقيق: عبد الزهرا حسيني، قم: دارالكتاب الإسلامى، اول، ١٤١٠ق.

- الكافى، محمد بن يعقوب بن اسحاق الكلينى، تحقيق: على اكبر غفارى، محمد آخوندى، تهران: دارالكتب الإسلاميه، چهارم، ١٤٠٧ق.

- الكامل فى التاريخ، عز الدين أبو الحسن على بن أبى الكرم بن اثير، بيروت: دارصادر - داربيروت، ١٣٨٥ق.

- *المستدرک علی الصحیحین*، أبی عبدالله محمد بن عبدالله الحاکم النیسابوری، بیروت: دارالمعرفه، اول، ۱۴۱۸ق.

- *المسترشد فی إمامة علی بن أبی طالب*، أبو جعفر محمد بن جریر بن رستم الطبری، تحقیق: احمد محمودی، قم، کوشان پور، اول، ۱۴۱۵ق.

- *المصنف*، عبدالله بن محمد بن ابی شیبۀ الکوفی، تحقیق و تعلیق: سعید اللحام، بیروت: دارالفکر، اول، ۱۴۰۹ق.

- *بحار الأنوار الجامعة لدرر أخبار الأئمة الأطهار*، محمد باقر المجلسی، تحقیق: جمعی از محققان، بیروت: دار احیاء التراث العربی، دوم، ۱۴۰۳ق.

- *پیام امام؛ شرح تازه و جامع بر نهج البلاغه*، ناصر مکارم شیرازی، تهران: دارالکتب الإسلامیه، اول، ۱۳۷۵ش.

- *تاریخ الأمم و الملوک*، أبو جعفر محمد بن جریر الطبری، تحقیق: محمد أبو الفضل إبراهيم، بیروت: دارالتراث، دوم، ۱۳۸۷ق.

- *تجارب الأمم*، أبو علی مسکویه الرازی، تحقیق: ابوالقاسم امامی، تهران: سروش، دوم، ۱۳۷۹ش.

- *تذکره الخواص من الأمة فی ذکر خصائص الأمة فی ذکر خصائص الأئمة*، سبط بن الجوزی، قم: منشورات الشریف الرضی، اول، ۱۴۱۸ق.

- *ترجمه و تفسیر نهج البلاغه*، محمد تقی جعفری، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی، هفتم، ۱۳۷۶ش.

- *تسلیة المجالس و زینة المجالس*، محمد بن ابی طالب الحسینی الموسوی، تحقیق: کریم فارس حسون، قم: مؤسسه المعارف الإسلامیه، اول، ۱۴۱۸ق.

- *تصنیف غرر الحکم و درر الکلم*، عبدالواحد بن محمد التمیمی الواحدی، محقق: مصطفی درایتی، قم: دفتر تبلیغات اسلامی، اول، ۱۳۶۶ش.

- تفسير المنسوب إلى الإمام الحسن العسكري^٧، تحقيق: مدرسة الإمام المهدي (عج)، قم: مدرسة الإمام المهدي (عج)، اول، ١٤٠٩ق.
- تفصيل وسائل الشيعة إلى تحصيل مسائل الشريعة، محمد بن الحسن الحر العاملي، تحقيق: مؤسسة آل البيت: قم: مؤسسة آل البيت: اول، ١٤٠٩ق.
- توضيح نهج البلاغه، سيد محمد الحسيني الشيرازي، تهران: دارتراث الشيعة، بي تا.
- جامع أحاديث الشيعة، آقا حسين البروجردي، تهران: فرهنگ سبز، اول، ١٣٨٦ش.
- جامع الترمذي، أبي عيسى محمد بن عيسى بن سوره الترمذي، تحقيق: ناصر الدين الباني، رياض: بيت الأفكار الدولية، بي تا.
- حديث پژوهي، مهدي مهريزي، قم: سازمان چاپ و نشر دارالحدیث، اول، ١٣٨١ش.
- خصائص الأئمة (خصائص أمير المؤمنين^٧)، محمد بن حسين الشريف الرضي، تحقيق: محمد هادي اميني، مشهد: آستان قدس رضوي، اول، ١٤٠٦ق.
- دعائم الإسلام و ذكر الحلال و الحرام و القضايا و الأحكام، نعمان بن محمد مغربي، تحقيق: آصف فيضي، قم: مؤسسة آل البيت: دوم، ١٣٨٥ق.
- ديوان المبتدأ و الخبر في تاريخ العرب و البربر و من عاصرهم من ذوى الشأن الأكبر، عبدالرحمن بن - محمد بن خلدون، تحقيق: خليل شحاده، بيروت: دارالفكر، دوم، ١٤٠٨ق.
- روضة الواعظين و بصيرة المتعظين، محمد بن احمد الفتنال النيسابوري، تحقيق: السيد محمد مهدي الخرسان، قم: رضى، اول، ١٣٧٥ش.
- زن از دیدگاه نهج البلاغه، فاطمه علائی رحمانی، تهران: سازمان تبلیغات اسلامی، اول، ١٣٦٩ش.

- زن از نگاهى ديگر، سيد محمد حسين فضل الله، ترجمه: مجيد مرادى، تهران: مؤسسه انتشارات اميركبير، دوم، پاييز ۱۳۸۵ ش.
- زن در آيينه جلال و جمال الهى، عبدالله جوادى آملى، تحقيق و تنظيم: محمود لطيفى، قم: مركز نشر اسراء، هجدهم، ۱۳۷۸ ش.
- سنن ابى داود، سليمان بن الأشعث السجستانى، حاشيه: محمد محيى الدين عبدالحميد، بيروت: دار احياء التراث العربى، بى تا.
- شرح نهج البلاغه، عزالدين ابو حامد بن ابى الحديد، تحقيق: محمد هادى امينى، قم: كتابخانه عمومى آيه الله مرعشى نجفى، اول، ۱۳۳۷ ش.
- شرح نهج البلاغه، ميثم بن على بن ميثم البحرانى، بى جا، دفتر نشر الكتاب، دوم، ۱۳۶۲ ش.
- شخصيت و حقوق زن در اسلام، مهدى مهريزى، تهران: شركت انتشارات علمى و فرهنگى، اول، ۱۳۸۲ ش.
- شرح الأخبار فى فضائل الأئمة الأطهار، نعمان بن محمد مغربى، تحقيق: محمد حسين حسيني جلالى، قم: جامعه مدرسین، اول، ۱۴۰۹ ق.
- شرح نهج البلاغه، السيد عباس الموسوى، بيروت: دارالرسول الأكرم ۶- دارالمحجّة البيضاء، اول، ۱۳۷۶ ش.
- صحيح البخارى، أبى عبدالله محمد بن إسماعيل بن إبراهيم البخارى، بيروت: دارالفكر، ۱۴۰۱ ق.
- صحيح مسلم، أبى الحسين مسلم بن الحجاج القشيري، رياض: بيت الأفكار الدوليه، ۱۴۱۹ ق.
- عيون الحكم و المواعظ، على بن محمد الليثى الواسطى، تحقيق: حسين حسنى بيرجندى، قم: دار الحديث، اول، ۱۳۷۶ ش.
- عيون الأخبار، عبدالله بن مسلم بن قتيبه، بيروت: دارالكتب العلميه، اول، ۱۴۰۶ ق.

- *غرر الحكم و درر الكلم (مجموعه من كلمات و حكم الإمام علي ٧)*، عبدالواحد بن محمد التميمي الواحدى، تحقيق: سيد مهدي رجايى، قم: دارالكتاب الإسلامى، دوم، ١٤١٠ق.
- *كتاب جمل من أنساب الأشراف*، أحمد بن يحيى بن جابر البلاذرى، تحقيق: محمد باقر المحمودى، بيروت: مؤسسة الأعلمی للمطبوعات، اول، ١٣٩٤ق.
- *كتاب الفتوح*، ابو محمد أحمد بن عثمان، تحقيق: على شيرى، بيروت: دارالأضواء، اول، ١٤١١ق.
- *كشف المحجّة لثمره المهجّة*، على بن موسى بن طاووس، تحقيق: محمد حسون، قم: بوستان كتاب، دوم، ١٣٧٥ش.
- *مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل*، حسين بن محمد تقى النورى، تحقيق: مؤسسه آل البيت، قم: مؤسسه آل البيت، اول، ١٤٠٨ق.
- *مسند ابى يعلى*، أحمد بن على بن المثنى التميمى، تحقيق: ظهير الدين عبدالرحمن، بيروت: دارالفكر، اول، ١٤٢٢ق.
- *مسند الإمام أحمد بن حنبل*، أحمد بن حنبل، بيروت: دارالكتب العلميه، اول، ١٤١٣ق.
- *مسند الحميدى*، عبيد الله بن الزبير الحميدى، تحقيق و تعليق: حبيب الرحمن الأعظمى، بيروت: دارالكتب العلميه، اول، ١٤٠٩ق.
- *مشكاة الأنوار فى غرر الأخبار*، على بن الحسن الطبرسى، نجف: المكتبة الحيدريه، دوم، ١٣٨٥ق.
- *معانى الأخبار*، محمد بن على بن بابويه (شيخ صدوق)، قم: دفتر انتشارات اسلامى وابسته به جامعه مدرسین حوزه علميه قم، اول، ١٤٠٣ق.
- *مفردات نهج البلاغه*، سيد على اكبر قرشى بنايى، تهران: مؤسسه فرهنگى نشر قبله، اول، ١٣٧٧ش.
- *مكارم الأخلاق*، الحسن بن الفضل الطبرسى، قم: الشريف الرضى، چهارم، ١٣٧٠ش.

- من لا يحضره الفقيه، محمد بن علي الصدوق، تحقيق: علي أكبر غفاري، قم: دفتر انتشارات اسلامي وابسته به
جامعة مدرسين حوزه علميه قم، دوم، ١٤١٣ق.

- نوادر الأخبار فيما يتعلق بأصول الدين، محمد محسن بن مرتضى الفيض الكاشاني، تحقيق: مهدي انصاري -
قمي، تهران: شركت انتشارات علمي و فرهنگي، اول، ١٣٨٢ش.

- نهج البلاغه، محمد بن حسين الشريف الرضي، تصحيح: صبحي صالح، قم: هجرت، اول، ١٤١٤ق.

- نهج البلاغه، محمد بن حسين الشريف الرضي، شرح: الشيخ محمد عبده، تصحيح: محمد محيي الدين
عبد الحميد، قاهره: مطبعة الإستقامة، بي تا.

- وقعة صفين، نصر بن مزاحم، تحقيق: عبدالسلام محمد هارون، قم: مكتبة آية الله المرعشي النجفي، دوم،
١٤٠٤ق.

- هداية الأمة إلى أحكام الأئمة، محمد بن الحسن الحر العاملي، مشهد: آستانه الرضوية المقدسة، مجمع
البحوث الإسلامية، اول، ١٤١٤ق.